



رویاهای ما را به واقعیت تبدیل کن!

تاثیر غیبت از
رقابت‌های اروپایی



کومولی به سوالات
جواب داد



گفتگو با جان هنری
مالک باشگاه لیورپول



آیا واقعا یونایتد از
ما بهتر است؟



صاحب امتیاز: نشریه کانون هواداران لیورپول در ایران
مدیر مسئول: محمدرضا رحیمی
سردبیر: حبیب حیدری
همکاران این شماره: علی امیری فر، محمدحسن قدسی، علی عارفی، پردیس طیبی، طیبه ایزدی، گلنوش شکوری
ویراستار ادبی: پردیس طیبی
ویراستار ورزشی: علی امیری فر
طراح و صفحه آرا: حسین میرسعیدی
Liverpoolism@liverpoolfc.ir



کومولی به سوالات جواب داد



۱۶

گربه سفید



۱۴

آیا واقعا یونایتد از ما بهتر است؟



۴

شش دلیل برای قهرمانی لیورپول در این فصل



۲۴

انقلاب قرمزها



۲۷

تاثیر غیبت از رقابت های اروپایی



۳۱

ایستگاهی برای پیش فصل



۱۲

گفتگو با جان هنری مالک باشگاه لیورپول



۸

آیا واقعا یونایتد از ما بهتر است؟

دیوید تایر
مترجم: علی امیری فر



از ابتدای فصل، بحث‌هایی در مورد نبوغ فرگوسن وجود دارد که باعث شده است حالا تیم منچستر در کنار بارسلونا قرار بگیرد و این که این تیم حالا می‌تواند یک رقیب خوب برای بارسلونا باشد. سپس آنها در یک بازی مقتدرانه آرسنال را در هم کوبیدند. در روزهای اخیر رسانه‌های به گونه‌ای غیر قابل تحمل ستایش خود را به آنها اختصاص دادند و در روزهای آینده هم این اتفاق همچنان ادامه خواهد داشت. شخصا فکر می‌کنم همه‌ی آنها مزخرف می‌گویند! تا آنجا که به من مربوط می‌شود آنها هیچ پیشرفتی نسبت به فصل قبل تا اینجای فصل نداشته‌اند. تمام کارهای آنها به خرید یک وینگر و دو بازیکن جوان که یکی دروازه‌بان است و حداقل به یک فصل برای اثبات خود نیاز دارد، و یک مدافع که هر هفته بازی نخواهد کرد، محدود می‌شود.

نوار برد حرکت میکنند و پیروزی منچستر مقابل آرسنال بیشتر یک دیوانگی از طرف آرسن ونگر بود. هرکسی که بازی را دید می‌دانست که فرگوسن در اواخر بازی باید برای جلوگیری از زدن گل‌های بیشتر از طرف تیمش تلاش می‌کرد که حتی باعث شد گری نویل هم لذت کمی از نتیجه‌ی بازی ببرد! این یک کلاس آموزشی از طرف منچستر نبود، بلکه قتل وحشیانه‌ی باشگاهی بود که به خاطر سوء مدیریت فلج شده است، نتیجه‌ای که منجر به آن شد که برخی در مورد کیفیت بالای لیگ برتر دچار تردید شوند. حتی ترکیب جدید ما هم هفته‌ی پیش در مقابل آرسنالی که با حضور ورمالن و سانیا و نصری بسیار قوی‌تر بود در لندن

بازی مقتدرانه‌ای انجام داد و ۲-۰ به پیروزی دست یافت. شاید برخی بگویند منچستر تعدادی بازیکن برای آینده به تیم خود اضافه کرد، اما می‌خواهم بگویم که ما در نقل و انتقالات تابستانه، به مراتب موفق‌تر و آینده‌نگران‌تر از منچستر عمل کردیم. فرگوسن، اشلی یانگ و فیل

از ابتدای فصل، بحث‌هایی در مورد نبوغ فرگوسن وجود دارد که باعث شده است حالا تیم منچستر در کنار بارسلونا قرار بگیرد و این که این تیم حالا می‌تواند یک رقیب خوب برای بارسلونا باشد. سپس آنها در یک بازی مقتدرانه آرسنال را در هم کوبیدند. در روزهای اخیر رسانه‌های به گونه‌ای غیر قابل تحمل ستایش خود را به آنها اختصاص دادند و در روزهای آینده هم این اتفاق همچنان ادامه خواهد داشت. شخصا فکر می‌کنم همه‌ی آنها مزخرف می‌گویند! تا آنجا که به من مربوط می‌شود آنها هیچ پیشرفتی نسبت به فصل قبل تا اینجای فصل نداشته‌اند. تمام کارهای آنها به خرید یک وینگر و دو بازیکن جوان که یکی دروازه‌بان است و حداقل به یک فصل برای اثبات خود نیاز دارد، و یک مدافع که هر هفته بازی نخواهد کرد، محدود می‌شود.

آنها یک نتیجه‌ی خوب در مقابل تاتنهام داشتند و در یک بازی خانگی ۳-۰ به پیروزی دست یافتند، اما چند روز بعد سیتی در لندن با پنج گل این تیم را در هم کوبید. این دو در حال حاضر روی



جوز را در شرایطی به تیمش اضافه کرد که در واقع به آنها نیاز زیادی نداشت. چیزی که او نیاز داشت دو هافبک میانی بود که یکی از آنها قدرت حفظ توپ بالایی داشته باشد. تنها بازیکنی که واقعا مورد نیاز او بود دخه آ بود که در حال حاضر باید چیزهای زیادی بیاموزد تا بازیکنی بزرگ لقب بگیرد. در سوی دیگر ما دونی را به خدمت گرفتیم که آنقدر خوب است که به عنوان انتخاب اول برای دروازه‌ی بسیاری از تیمهای لیگ برتری باشد. چارلی آدام؟ او می‌توانست گزینه‌ای عالی برای یونایتد در مرکز میدان باشد. استیوارت داوینینگ

، خوزه انریکه و جردن هندرسون به همراه اندی کارول و لوئیس سوارز که در ژانویه به تیم آمدند (که هنوز می‌توانند به عنوان خریدهای جدید به نظر بیایند، با توجه به اینکه هنوز به طور کامل با هم هماهنگ نشده‌اند) و همچنین خرید کوآتس، یکی از آینده‌دارترین جوانانی که پس از سوارز در اروگوئه تبدیل به پدیده شده است، با هزینه‌ای کمتر از یک سوم مبلغ پرداختی منچستر برای فیل جونز، صورت گرفت!

من قصد دارم مقایسه‌ای کامل بین

بازیکنان دو تیم انجام دهم و قدرت دو تیم را با هم مقایسه کنم. با فرض اینکه ترکیب پایه‌ی دو تیم را ۴-۴-۲ در نظر بگیریم:

دروازه‌بان: رینا، دخه آ: من فکر می‌کنم حدود ۹۹٪ از مردم

از طرفداران هر تیمی با من موافق باشند که رینا دروازه‌بان بهتری در مقایسه با دخه آ است. به نظر هم نمی‌رسد دخه آ هیچوقت به سطح رینا برسد، هرچند با توجه به بازی در منچستر به پیراهن تیم ملی میرسد. رینا ۹، دخه آ ۷

مدافع راست: جانسون، رافائل: مقایسه‌ی ساده‌ای پیش رو داریم. گلن جانسون به عنوان یک مهره‌ی تاثیرگذار در تیم ملی و لیورپول و حضور در چندین پست به همان خوبی پست تخصصی خود، و در عوض رافائل بدون بازی ملی و در شرایطی که به نظر

هم نمی‌رسد در سالهای آینده

هیچگاه به ترکیب تیم ملی برسد و در منچستر هم گهگاه بازی‌های خوبی از او دیدیم! اما بیشتر از آن، از او و برادرش اشتباهاتشان را در ذهن داریم. البته می‌توان امیدوار بود در سالهای آینده به بازیکن بهتری تبدیل شود، اما در حال حاضر در این پست تفاوت فاحشی بین دو تیم وجود دارد. جانسون ۸، رافائل ۶

مدافعان میانی: اگر،

کاراگر، فردیناند، ویدیچ: برای هر تیمی این بسیار بعید است که دو مدافع اصلی مرکزی‌اش در تمام فصل با وجود مصدومیت‌ها و محرومیت‌ها، مدافعان ثابتی باشند اما این ۴ بازیکن مطمئنا انتخاب‌های اول برای این پست خواهند بود. کاراگر و فردیناند در سال‌های



رو به پایان فوتبال خود به سر می برند، اما با این وجود هنوز هم هر دوی آنها با هوش خود این بالا رفتن سن را تا حدی جبران می کنند ، البته کارا کمتر از فردیناند از روزهای اوجش دور است . در دوران

اوج خود این دو ، دو تن از بهترین مدافعان اروپا بودند . در طرف دیگر اگر و ویدیچ بدون تردید دو تن از بهترین مدافعان لیگ برتر هستند . هرچند بسیاری اعتقاد دارند ویدیچ بهترین مدافع اروپاست. زوج او، ریو فردیناند فصل قبل تنها در ۲۷ بازی حضور داشت و در بیش از نیمی از فصل مصدوم بود و در حال حاضر هم مصدوم است . مضاف بر اینکه همواره

یکی از دلایل داشتن خط دفاعی خوب حضور یک دروازه بان قابل اعتماد در پشت زوج دفاعی است، که منچستر در فصل های قبل این نقطه ی قوت را با حضور وندرسار داشت و این فصل از آن بی بهره است . کاراگر ۸ – اگر ۸ ، فردیناند ۷ ، ویدیچ ۹

مدافع چپ : انریکه ، اورا : دو مدافع با کیفیت و دو بازیکن با تجربه در لیگ انگلستان . سنگینی کفه ی ترازو با اورا است، چون او قبلاً خود را اثبات کرده است و بازی در خط دفاع منچستر و تیم ملی فرانسه باعث می شود خیلی بیشتر

از انریکه دیده شود . اورا هم اکنون به عنوان یکی از بهترین مدافعان چپ اروپا شناخته می شود . انریکه هم در حال حاضر یکی از بهترین ها در پست خود در لیگ برتر است اما فاقد چهره ی بین المللی است . انریکه ۸ ، اورا ۹

وینگر چپ : داوینینگ ، اشلی یانگ : دو خرید جدید این دو تیم که هر دو از آستون ویلا آمده اند و

بازیکنانی تکنیکی و با استعداد هستند و البته دو مهره در تیم ملی . زمان مشخص می کند کدام یک موفق تر خواهند بود . تا اینجای کار یانگ کمی بهتر عمل کرده است. اما با این وجود ممکن است حضور



داوینینگ در لیورپول سازگارتر و کمکی بزرگتر به این تیم، که در این پست مشکلات زیادی داشت، باشد، تا حضور یانگ در منچستر که حضور نانی و والنسیا در دو جناح، نقاط قوت این تیم محسوب میشد.

فصل قبل نیز در آستون ویلا، این داوینینگ بود که به عنوان بازیکن فصل از دید هواداران و بازیکنان ویلا انتخاب شد .

داوینینگ ۸ ، یانگ ۸

هافبک دفاعی : لوکاس ،

کریک : هرچند در این فصل اندرسون بیشتر در این پست بازی کرده است، اما معمولاً کریک انتخاب اصلی برای

این پست در منچستر است . وقتی کریک جوان تر بود، به عنوان استعدادی بزرگ و پاسوری خوب شناخته می شد . اما بیابید به دنیای واقعی برگردیم. او هم اکنون بازیکنی معمولی است که از هر ۱۰ پاسش یکی خوب است. جایگاهش را در تیم ملی از دست داده است و باید اعتراف کرد وقتی تاتنهام را ترک می کرد بازیکن بهتری بود ! در طرف دیگر لوکاس توانست جواب خوبی به تمام منتقدان لیورپولی و غیر لیورپولی اش بدهد . او در حال حاضر یکی از بهترین هافبک های دفاعی لیگ برتر است و با

احتمال بالای حضور لیورپول در لیگ قهرمانان فصل آینده، می تواند چهره ای بین المللی از خود بروز دهد . او در دو فصل گذشته بهترین بازیکن جوان و بهترین بازیکن باشگاه لقب گرفت . لوکاس ۸ ، کریک ۶

هافبک میانی : جرارد ،

گیگز : هرچند در حال حاضر

چارلی آدام در همه ی بازی ها در این پست برای قرمزها بازی می کند، اما به زودی با بازگشت جرارد و رسیدن او به روزهای اوج نه تنها آدام بلکه هیچ هافبک دیگری هم نیست که جلو تر از اسطوره ی قرمزها



در ترکیب جای داشته باشد (با فرض ۴-۴-۲) . جرارد بازیکنی است که حتی متنفرترین ها از لیورپول هم نمی توانند بزرگی او را انکار کنند. او یکی از بزرگترین هافبک های میانی تاریخ فوتبال است . هر چند جرارد در زمینه ی افتخارات در لیگ برتر قابل مقایسه با گیگز نیست، اما این شانس را دارد که در سالهای باقیمانده ی فوتبالش، به قهرمانی لیگ برتر دست یابد . در طرف دیگر رایان گیگز قرار دارد که تقریباً در آخرین سال فوتبالش است و پس از رسوایی اخلاقی ای که فصل گذشته داشت، چهره ی او هم خدشه دار شده است . جرارد ۱۰ ، گیگز ۷

هافبک راست : کویت ، نانی : مقایسه در این پست به دلیل سبک متفاوت این دوبازیکن بسیار سخت است . نانی یک وینگر طراح است در حالی که کویت در اصل یک مهاجم تبدیل شده به هافبک انرژیک و در خدمت است . در فصل گذشته کویت ۲۲ گل و ۱۴ پاس گل داشت و نانی ۱۲ گل و ۲۶ پاس گل با این تفاوت که نانی ۹ بازی بیشتر انجام داد. کویت ۸ ، نانی ۹

مهاجمان : سوارز – کارول ، رونی ، هرناندز : هرچند شاید انتخاب بسیاری از مردم برای زوج رونی در خط حمله برباتوف باشد اما بازی های خوب هرناندز انتظارات را بالا برده است و برباتوف نیز این فصل کمتر جایی در ترکیب فرگوسن داشته است . البته هر دوی رونی و هرناندز مهاجمان خطرناکی هستند اما به کار بیشتری نیاز دارند . اعتراف این موضوع برای من سخت است، اما رونی به تنهایی هم از عهده ی به هم ریختن خط دفاع حریف بر می آید. دقیقاً مانند سوارز در لیورپول . در مورد کارول و هرناندز هر دوی آنها الماس های نتراشیده ای هستند که در دست پردازش اند . استعداد بالایی دارند اما زمان می برد تا بتوانند همه ی استعداد خود را بروز دهند . سوارز ۱۰ ، کارول ۷، رونی ۱۰ ، هرناندز ۷

نیمکت : در لیگ برتر معمولاً تیمی قهرمان می شود که بهترین نیمکت را دارا باشد و در تمام مقاطع فصل به تعداد کافی بازیکن آماده در همه ی پست ها داشته باشد . هفت بازیکن نیمکت نشین دو تیم را مقایسه می کنیم:

لیورپول : دونی ۷، اسکرتل ۷، کلی ۷، کواتس ۷، هندرسون ۷، آدام ۸، بلیمی ۷

منچستر : لیندگارد ۷، فابیو ۶، جونز ۷، اندرسون ۷، کلورلی ۷، والنسیا ۸، برباتوف ۹

حالا بیابید همه این امتیازهایی که به بازیکنان دو تیم از ۱۰ دادم را جمع بزنیم. عددی که به دست می آید وزن تیمی هر کدام از دو تیم است . عددی که برای ۱۸ بازیکن لیورپول به دست می آید ۱۴۲ و برای منچستر ۱۳۸ است . به عبارتی دیگر به طور متوسط هر بازیکن لیورپول ۷،۸۸ و هر بازیکن منچستر ۷،۶۶ ارزش دارند . غیر از همه ی مقایسه ها دو نکته ی دیگر هم باقی می ماند . قسمت خوب داستان برای لیورپول این است که نیاز نیست در لیگ قهرمانان یا لیگ اروپا حضور داشته باشد و این که می تواند تمام تمرکزش را روی لیگ برتر بگذارد نکته ای است که بیشتر از همیشه آنها را به بردن جام نزدیک میکند . اما قسمت تقریباً بد آن این است که ترکیب کنونی لیورپول شامل نیمی از بازیکنانی میشود که در سال جاری به باشگاه آمده اند و هرچند جرقه هایی از هماهنگی در بین قرمزها دیده می شود، اما هنوز راه درازی تا هماهنگی کامل باقی مانده است.





گفتگو با جان هنری مالک باشگاه لیورپول

* آیا شما به پایین و رختکن تیم رفتید؟

بله.

* وقتی شما تیم را دیدید، چه چیزی را برای ساختن آن احساس کردید؟

تام و من در مورد اینکه چگونه بازیکنان بازی‌ها را آغاز خواهند کرد با هم صحبت کردیم. این یک واقعیت است که لوییز سوارز پس از یک دوره کوتاه استراحت پس از کوبا آمریکا، بسیار مصمم در رختکن تیم حاضر شد. همانطور که میدانید، این باشگاهی با سابقه ای فوق العاده است و شما بازیکنانی را میخواهید که درک بالاتری از میلیون ها نفر هوادار در اطراف جهان داشته باشند. آنها انتظاراتی دارند. بنابراین ما همه در یک باشگاه هستیم. امسال این انتظارات توسط هر بازیکن همسان شده است. هر بازیکنی که تمایل داشت اکنون در اینجا حضور دارد. کنی، استیو، دیمین و یان بر این شده اند که بطور کامل در اطراف باشگاه باشند.

* اهداف شما برای این فصل چیست؟ حداقل یک شرط لازم

برای کنی دالگلیش و تیمش را بیان کنید.

منجستریونایتد کارهایی باورنکردنی برای تیم جوانان و بااستعدادشان انجام داده است. من تعدادی از مسابقات پیش فصل آنها را دیدم و آنها در فرم بالایی قرار داشتند. آنها سال‌هاست که مشغول ساختن باشگاه هستند و ما امسال از تیم انتظار قهرمانی نداریم. منجسترسیتی نیز به نظر میرسد که هزینه های زیاد و نامحدودی را برای تقویت تیم در هر پست، صرف خرید ستاره ها می‌کند، که این موضوع کار را سخت خواهد کرد. امسال هدف ما این است که به لیگ قهرمانان اروپا بازگردیم. لیورپول باشگاهی با سابقه در رقابت های اروپایی و در سطح جهان است. هواداران ما حداقل حضور در رقابتهای اروپایی را خواستارند که این هدف ماست. اما آن را نمی توان به راحتی بدست آورد چراکه ۶ باشگاه بزرگ در اینجا حضور دارند و ما برای قرارگیری در جمع چهار تیم برتر

باید تلاش کنیم.

* شما ۱۰ ماه است که در فوتبال انگلستان هستید. چه چیزی شما را تحت تأثیر قرار داده است؟

داوران مرا تحت تأثیر قرار دادند. فوتبال صرفا یک ورزش ذهنی است. خیلی بیشتر از هر ورزش دیگری. و من بسیاری از مسابقات را نگاه میکنم و بیش از هر چیز دیگری تحت تأثیر داوران قرار گرفته ام. این غیر ممکن است که هر تماسی صحیح باشد زیرا بسیاری از تماسها ذهنی هستند. در حال حاضر دوربین های حرکت آهسته از تمامی زوایا تصویر برداری میکنند اما داور مسابقه درحال حرکت است و تنها یک زاویه دارد. شگفت ترین چیز برای من داورانی هستند که اعلام آفساید میکنند. من نمیدانم آنها چگونه زمانیکه توپ زده میشود، از زاویه ای که قرار دارند، در همان زمان اعلام میکنند که خارج از خط آفساید بوده یا داخل آن. اما آن کار بسیار دشوار است و با وجود همه ی شکایات، آنها ۹۵٪ حق دارند. بسیاری چیزهای دیگر مرا تحت تأثیر قرار داده است که میتوان یک مقاله ی کامل در مورد آن نوشت.

* چه چیزی شما را شگفت زده کرده یا باعث شوکه شدن شما شده است؟

خب، اگر شما از ورزش آمریکایی به اینجا آمده باشید، سیستم نقل و انتقالات و اینکه چطور کار می کند، شما را شوکه خواهد کرد. اینکه قرارداد ها زمانی که باشگاهی بازیکن شما را می خواهد ارزش خود را از دست می دهد شوک آور است. "بازیکن باید برود".

این امتیازی برای باشگاه های بزرگی مثل ما بود و ما نیز از آن استفاده کردیم. اما این شوکه کننده است که گارانتی قرارداد ها در یک جهت عمل می کند. همچنین پولی که برای خرید و فروش بازیکنان هزینه می شود قابل توجه است. زمانی که شما برای اولین بار به فوتبال انگلیس می آید، باید مفاهیم بازی جوانمردانه تجاری یوفا را که از این تابستان اجرا شد، رعایت کنید. آیا لیورپول در مسیر این قوانین حرکت نکرد؟ این قوانین برای باشگاه ها در دراز مدت خوب خواهد بود. چه اتفاقی رخ خواهد داد اگر این روند هزینه کردن برای یک باشگاه به طور ناگهانی متوقف شود؟ نتیجه خوب نخواهد بود.

گردون تیلور می گوید "تاریخ به شما می گوید که برخی اوقات شبیه پروانه ها، آنها روی مکان های جذاب می نشینند و بعد از مدتی به مکان دیگر می روند. حال سوال من این است کی زمانی می رسد که این افراد بخواهند تغییر مکان دهند؟(منظور مالک من سیتی و سایر افراد شبیه او که اگر بخواهند علاقه خود را به چیز دیگری امتحان کنند و ناگهان باشگاه را به حال خود رها کنند چه اتفاقی رخ می دهد) آیا ساختار به گونه ای است که این باشگاه را نجات دهد؟ در مورد سایر باشگاه ها چطور؟ شما اخیرا راجع به اسپانسر منجستر سیتی در توئیتر شنیدید...

سوالی که باقی می ماند این است که یوفا چگونه می خواهد به طور جدی با این قضیه برخورد کند. به نظر می رسد که برخی از باشگاه های بزرگ انگلیسی پیام بزرگی برای آنها فرستاده اند که آنها چندان جدی پی گیر این موضوع نیستند. هنوز باشگاه های بزرگی هم در ایتالیا وجود دارند که این چنین رفتار می کنند.

شاید لازم باشد که سایر اتحادیه ها دست به کار شوند. من معتقدم که لیگ فوتبال باید با این پروتکل ها آداپته شود. آنها باید از این موضوع خوشحال باشند.

* اگر لیورپول به رقابت در سطح بسیار بالا برسد، آیا نیاز لیورپول به چوب خط یوفا به درستی اعمال میشود؟

ما برای ساختن زیرساخت های فوتبال در اینجا برنامه داریم و باید از آن کسب درآمد داشته باشیم. ما زمانی که در بوستون بودیم، نمیتوانستیم درآمدها را با تیم یانکی های نیویورک مطابقت دهیم. اما می‌خواهیم آن‌ها را باهم در یک رقابت مطابقتی قرار دهیم. آنها دو باشگاه هستند که بیش از ۱۰ سال است اکثر بازی‌ها را در لیگ اصلی بیسبال برنده می‌شوند. ما برای مدتی نمی‌خواهیم در بالاترین سطح اروپا باشیم. اما ما می‌خواهیم در هر دو رابطه ای وجود داشته باشد. این موضوع در چند سال گذشته شما را روشن کرده است که شما نیاز به یک سیاست منسجم تر برای رفتن به بازار نقل وانتقالات داشته باشید. تلاش کنیم که بیشتر در مورد بازیکنانی قضاوت کنیم که شامل آمار، توسعه ی پتانسیل و ارزش فروش مجدد باشد.

*** آیا می‌توانید در مورد اعمال این سیاست ها بیشتر صحبت کنید؟**

بگذارید قبل از هر چیز به شما بگویم که زمانی که ما در بوستون تیم بیسبال را خریدیم، هزینه های زیادی را صرف بازیکنان آماتور و بی کیفیت کردیم. اما فوتبال انگلستان با آن تیم در بوستون تفاوت هایی دارد و ما نباید آن هزینه ها را در اینجا هم انجام دهیم. ماهیت بازار که شامل بخشهای اکتسابی است، اینگونه است که دیر یا زود هر مجموعه ای از فرمولهای موفق باخبر می‌شوند و بر روی آنها سرمایه گذاری می‌کنند. منظورم این است که هر چیز کم ارزشی، کم ارزش تر می‌شود. گاهی اوقات بعضی از نقاط بیش از حد باارزش اند. در یک نقطه تنها بوستون، اوکلند و یانکیها از درصد پایه با ارزش بالاتری برخوردار هستند که ما به شدت مورد انتقاد انجمن آمار قرار گرفتیم. سپس ما موفق به کسب دو سری جام جهانی شدیم و در حال حاضر تقریبا تمام ۳۰ باشگاه بیس بال در جهان بر این باورند. بنابراین با حقوق و دستمزد بسیار کم تبدیل به رقیبی بسیار دشوار برای اوکلند که دارای بسیاری از درخشان ترین افراد در بیسبال هستند، شده ایم.

*** آیا به اهداف خود در این تابستان در مورد خرید و فروشها رسیدید؟ آیا هزینه های بالای این پنجره ی نقل و انتقالات برای شما یک سرمایه گذاری به حساب می آید؟**

در چند سال گذشته، بازیکنان با کیفیت فروخته و بازیکنانی با کیفیت پایین تر خریداری شده بودند. این باشگاه نیاز به نظم و مقرراتی دارد که در دراز مدت محقق می‌شود. این عجیب است که برخی اعتراض می‌کنند که هزینه های زیادی صرف شده است. نگرانی هایی وجود داشت که ما نمی‌خواهیم هزینه هایی را صرف کنیم اما در واقع اینگونه نبود. ما قصد داریم برای تقویت باشگاه هر ساله هزینه هایی را صرف کنیم اما این بدین معنی نیست که ما دچار کسری بودجه شویم. این درآمد ما را تقویت خواهد کرد. فقط در آن حد باشگاه باید قوی باشد که بتواند در اروپا رقابت کند.

*** آیا چوب خط دلیل بود که کاهش دستمزدها قبل از بسته شدن پنجره نقل و انتقالات بود؟**

این موضوع اصلا مهم نبوده است.

*** سهم زیادی از پولهای شما صرف خرید بازیکنان بریتانیایی (هندرسون،داونینگ،آدام) شد. آیا این یک استراتژی تعیین شده است؟ به طور خاص بازیکنان انگلیسی دارای حق بیمه هستند. چرا شما حاضر به پرداخت این حق بیمه شدید؟**

از میان هرکس که اسمش در لیورپول زیاد برده میشد، به نظر می‌رسید که بازکنان انگلیسی ارزش بیشتری نسبت به بازیکنان دیگر داشتند. اماتیم های حاضر در لیگ برتر، نسبت به تمام جهان برای انتخاب بازیکن، از یک قاعده ی وطنی قابل توجه بهره می برند که طبق آن بازیکنان انگلیسی باارزش ترند. نگاهی به قیمتهای پرداخت شده ی امسال توسط باشگاه ها برای کانر ویکهام و الکس چمبرلین بیندازید. در لیورپول ما هر بازیکن را برای این امر به دلایل مختلف خریداری کردیم. این بدان معنا نیست که ما قصد داریم تمام مسائل را در یک فصل حل کنیم اما ما باید این مسیر را درست رهبری کنیم.

*** آیا می‌توانید درگیری خود در نقل و انتقالات تابستان امسال را توصیف کنید؟**

این اولین سالی بود که در نقل و انتقالات درگیری این را داشتم که در مدت کوتاهی بتوانم تا حد امکان چیزهایی را یاد بگیرم. من و تام همیشه در مورد یک سری از مسائل سؤالاتی داشتیم. همیشه. و همه چیز بسیار مثبت انجام شد، چرا که افراد بسیار با استعدادی در موقعیت های کلیدی هستند. در حال حاضر کارها در لیورپول، به همان منوالی است که می خواستیم. در نتیجه شکی نیست که کنی، استیو، یان، تام و من سهم بزرگی در نظم این فلسفه داریم که در عمل شامل تمام جنبه هاست. این هم هیجان انگیز است که بخشی از این تلاش ها برای بازسازی باشگاه است.

*** آیا پیشرفتی در ساخت ورزشگاه جدید وجود داشته است؟ آیا ساختن یک ورزشگاه جدید، گزینه ای قابل دوام در آب و هوای فعلی است؟ گروه شما نشان داده است که زمین مشترک با اورتون در دستور کار است. آیا این یک مورد خوب است؟**

من بحث های بسیاری در مورد زمین مشترک دیده ام اما موضع ما تغییری نکرده است. هیچ شکی نیست که ساخت

یک استادیوم جدید، از دیدگاه مالی برای لیورپول خوب است. این یک موضوع عمده است. زمین مشترک برای هر دو باشگاه کمک کننده خواهد بود. اما آیا این موضوع هر گونه پشتیبانی را از سوی هواداران قرمز و آبی به همراه دارد؟ پس چگونه میتواند اتفاق بیافتد؟ ما خیلی دوست داریم که آنفیلد را گسترش دهیم اما به اندازه ی کافی مسائل محلی و مقرراتی وجود دارد که برای سالها آن را متوقف می‌کند. وجود امکان گسترش آنفیلد، خبری فوق العاده خواهد بود. اما واقعیت این است که ما در واقع ۴۵۰۰۰ صندلی در اختیار داریم. اگر بخواهیم ظرفیت استادیوم را به ۶۰۰۰۰ صندلی افزایش دهیم، تنها برای اضافه شدن ۱۵۰۰۰ صندلی یک مبلغ باورنکردنی باید صرف کنیم. اگر هزینه ها انجام شود، ۳۰۰ میلیون پوند خرج خواهد شد که تنها ۱۵۰۰۰ صندلی به آن اضافه می‌شود که این هیچ معنایی در هیچ کجا نمی‌دهد. لیورپول، لندن و نیوکاسل نمیتوانید ۱ میلیون پوند برای تنها یک صندلی هزینه کنید. درآمدهای صندلی در امارات بسیار متفاوت با در آمد صندلی در آنفیلد است. به همین دلیل در حال حاضر به دنبال یک راه حل برای نامگذاری حقوق آن هستیم. و این اتفاقی است که در صورت رخ دادن، بسیار خوب خواهد بود.



اکستر و لیورپول، دور دوم جام کارلینگ انگلستان. اگر بخواهیم برای جام هایی که در انگلستان تقسیم می شود ارزش گذاری ای انجام دهیم، به طور حتم این جام بی ارزش ترین جام های انگلستان است. جامی که از سال ۱۹۶۰ برگزار می شود و لیورپول با ۷ مقام قهرمانی در آن بیشترین بار این جام را به خانه برده است. این جام آن قدر برای باشگاه

کوچک، را برای لیورپولی باز کرده بود که از دو بازی شروع فصلش دو امتیاز خانگی را از دست داده بود. وقتی نام بازیکنان نمایان شد اگرچه در سمت اکستر ترکیبی به زمین می آمد که به قرار معلوم حداکثر با دو یا سه تغییر قرار است بل تیسدال، مربی این تیم، تا انتهای فصل از آنها در زمین بهره ببرد در سوی دیگر ترکیب ابتدایی

بازیکن فصل پیش لیگ برتر نارضایتی اش را از نیمکت نشینی های مکرر در زمین با بازی بد و هماهنگی و از خودش با مصدومیتش تکمیل کرد و جای خودش را تنها بعد از ۲۰ دقیقه حضور به مهاجم بزرگ تیم آندی کارول داد تا زوج خط حمله لیورپول به پیش هم برگردند. لیورپول در حالی بازی را آغاز کرد که

میانی تیم سپرده شده بود تا بازیکنان را در دفاع و حمله هماهنگ کند، به بازیکنان کناری همراه با اسپیرینگ توپ برساند و در موارد خاص با فرارهای سوارز پاس های در عمق برای او محیا کند.

لیورپول آن قدر بر سانس از جناحین اصرار کرد تا توانست در دقیقه ۲۳ بازی با ارسال به تیرک مخالف و هوشیاری سوارز به گل برتری اش برسد. آرتور کریسیاک نشان داده بود که روی تروپ های ارسالی واقعا متزلزل است و نمی تواند واکنش مفیدی از خود نشان دهد و گاه گاه با خروج هایش فقط موقعیت را برای لیورپول مناسب می کرد تا بتواند

سرعت را در ضد حملات از تیم اکستر گرفته بود و این باعث شده بود که پیشروی بازیکنان حداکثر تا پشت محوطه جریمه لیورپول ادامه پیدا کند و سپس از آنجای که راهی به نفوذ نمی یافتند اقدام به شوت زنی کنند. که این شوت ها هم به علت فشار لیورپولی ها با بی دقتی از کف اکستری ها می رفت. لیورپول با فشار از جناحین تمامی نیاز های خود را بر طرف می کردند و در نیمه دوم با همین اصرار گل دوم خود را توسط رودریگوئز به ثمر رساندند و سه دقیقه بعد با یک حرکت از سمت چپ و در انتها آوردن توپ به وسط توسط کارول به سومین گل خود رسیدند.

داند چطور باید از کوچک ترین موقعیت استفاده کرد. لیورپول بعد از ناکامی مطلق برای بهره بردن از بازی های پیش فصلش توانست از یک بازی با یک تیم جنگنده کوچک نهایت بهره خود را ببرد. عده ای وقتی ترکیب ابتدایی بازی لیورپول را دیدند از این به که بازیکنان کلیدی ای مثل سوارز و ریبا فرصت استراحت داده نشده است، متعجب شدند ولی باید لحظه ای درنگ می کردند و به تقویم بازی ها از بالا نگاهی می انداختند. دالگلیش با بازی گرفتن از ترکیب تقریبا اصلی خود این فرصت را ایجاد کرد تا بازیکنانش بتوانند سریع تر با هم هماهنگ شوند. او می دانست

ایستگاهی برای پیش فصل



نویسنده : علی عارفی

های بزرگ بی ارزش است که برای بیان ارزش آن می توان همین را گفت که از سال ۱۹۸۲ نام این جام را به نام اسپانسر جام قرار می دهند و لیگ کاپ انگلستان از آن زمان تا به حال شش نام را به خود دیده است. اکستر تیمی که تنها یک امتیاز توانسته بود از چهار بازی ای که در لیگ دست اول انگلستان انجام داده است برای خودش ذخیره کند درب های ورزشگاه سنت جیمز پارک، جایی صمیمی و

لیورپول واقعا غافلگیر کننده بود، استفاده از بازیکنی همچون سوارز برای دیدار کوچکی مانند این کمی سوال بر انگیز بود و در سوی دیگر ایستادن ریبا در درون دروازه و حضور پنج بازیکن ترکیب اصلی بر روی نیمکت نشان می داد که کئی دالگلیش این بازی را خیلی جدی گرفته است و می خواهد اولین گام این مارا تون شش پله ای را محکم بردارد. در همان ابتدا راثول میرلس بهترین

تاکتیک سانس از جناحین را سر لوحه کار خود قرار داده بود. اسپیرینگ یک خط عقب تر از خط میانی تیم، هندرسون - آدام - ماکسی، وظیفه هافبک دفاعی بودن را انجام می داد و بعد از تکل زدن و توپ گیری، توپ را به دو بازیکن کناری تیم هندرسون و رودریگوئز می رساند تا با نفوذ در جناحین به روی دروازه و به خصوص تیرک مخالف توپ را ارسال کنند. در این بین به آدام وظیفه مدیریت خط

از آن سود ببرد که بعد از چند باره شدن این گونه حرکاتش بالاخره تیمش را متضرر کرد. در سوی دیگر میدان تیم اکستر تمرکز خود را بر فشار به دو مدافع جوان لیورپول، رایینسون و فلائگان، گذارده بود. تا با عبور از این دو بتوانند برای خود موقعیت سازی کنند ولی جمع شدن سریع لیورپولی ها این تاکتیک آن ها را عملا" نقش بر آب کرده بود. لیورپول با پرس کردن های مقطعی

بازی با تک گل اکستر به پایان رسید، گلی که با پنالتی ای که از روی یک ضد حمله نصفه و نیمه گرفته شده بود به ثمر نشست تا اکستری ها هم بعد از پایان این بازی دلیلی برای شادی داشته باشند. لیورپول اگرچه با ترکیبی تقریبا کامل در دو خط از میدان به زمین آمده بود ولی زیاد خودش را به آب و تاب نزد و فقط به کسب نتیجه مطلوب اکتفا کنند. کئی دالگلیش نشان داد که می

که یک تعطیلی ۱۰ روزه در انتظار تیمش خواهد بود و این بازیکنانی را که تازه شروع به آشنا شدن به بازی یکدیگر کرده بودند، دچار گسستگی خواهد کرد و به همین علت آدام و هندرسون را پشت سر سوارز قرار داد تا سه بازیکنی که در ادامه لیگ برای تیمش بیشترین نقش را می خواهند بازی کنند هر چه بیشتر با هم هماهنگ شوند و از این فرصت آسان به بهترین نحو در این رابطه استفاده کنند

گر به سفید

نویسنده : علی عارفی



لیورپول و بولتون. یک بازی در شامگاه شنبه می تواند خستگی های یک هفته آتی را برای شما خنثی کند و از طرفی هم می تواند آن را از همین الان و در حال صرف شام بیشتر و بیشتر کند. بازی هایی که در هنگام شام صرف می شوند به خاطر زمان برگزاری بازی از جذابیت بیشتری برخوردار هستند. رنگ های شفاف ظهر کم کم جای خود را به تیرگی و رنگ های گرم عصر و غروب می دهند. باید قبول کرد که نسبت به به بازی های ظهرگاهی، فضا زیباتر می شود.

اگر از هواداران لیورپول در مورد محبوب ترین رقیب های لیورپول پرس و جو کنیم به طور حتم تیم فوتبال بولتون در بین سه اسم اولی است که آنها به زبان خواهند آورد. بولتون مدتی است که برای لیورپول به حریف ساده ای تبدیل شده است ولی این سادگی کم کم رنگ خود را به زبری سپرده است. بولتون در این چند سال حریف ساده ای بوده است چون نخواسته است پا را از حد خود فراتر بگذارد، آنها به حد خود در میانه میدان قناعت دارند و هر از چند گاهی هم به پیش روی به سوی پله هایی بالا ولی نه چندان فراتر از آن. آنها ۹

بازی اخیر خود را با لیورپول در لیگ برتر واگذار کرده اند و این تنها یک آمار افتضاح در برابر یک تیم است. واگذاری این تعداد بازی پیاپی نشان از این دارد که آنها حتی از بازی های پیشین خود درس هم نمی گیرند که حداقل با اجرای یک بازی بسته و درگیرانه به دنبال کسب امتیاز مساوی پا به زمین بگذارند ولی نباید از یاد برد که: آسمان را هدف بگیري به سقف خواهی رسید، سقف را هدف بگیري به کف خواهی رسید.

لیورپول در حالی خود را برای حضور در این میدان آماده کرد که همچنان نمی توانست از حضور کاپیتان خود استیون جرارد در این بازی بهره ببرد و از سوی دیگر مدافع راست این تیم گلن جانسون هنوز نتوانسته بود به تمرینات این تیم بعد از مصدومیتی که در بازی با والنسیا در آخرین بازی پیش فصل گریبان گیرش شده بود برگردد. همچنین رائل میرلس را به علت مصدومیتی که از ناحیه شانه در بازی با اکستر نصیبش شده بود در اختیار نداشت.

در سوی دیگر در تیم بولتون می شد از مصدومان این تیم یک تیم را

وارد زمین کرد. ریکاردو گاردنر، مارکوس آلونسو، سم ریکت، استوارت هولدن، چونگ یونگ لی و تایرون میرس از غایبان این تیم بودند و تنها بارقه امید این تیم بهبودی مصدومیت گرت استاینسن مدافع این تیم برای حضور مجدد در ترکیب اصلی بعد از مدت ها غیبت بود. بازی با هر کمی و کاسته ای که تیم ها گریبان گیر آن بودند و یا شده بودند آغاز شد و همانطور که هر هوادار لیورپولی می توانست از قبل پیش بینی کند بولتون حریف دست و پا بسته ای مقابل لیورپول بود. لیورپول با در اختیار گرفتن میانه میدان بازی را خیلی زود از آن خود کرد. حضور و بودن نقطه اتکایی مانند لوکاس لیوا در میانه میدان به لیورپول این امکان را داده بود که بتواند از دو جناح چپ و راست توسط استوارت داوینینگ و جردن هندرسون اقدام به نفوذ و ارسال توپ به روی دروازه و از وسط توسط چارلی آدام با پاس های در عمق اقدام به تغذیه مهاجمین، لوئیز سوارز و درک کویت، کنند.

لیورپول این روزها علی رغم این که به سمت فوتبال "پاس و حرکت" پیش می رود ولی پافشاری شدید هم به اجرای فوتبال انگلیسی در

بازی هایش به نمایش می گذارد به طوری که این نوع تاکتیک ها بیشتر در بازی های لیورپول نمود دارند.

هندرسون و داوینینگ از دو جناح حرکت می کنند و به جلو می آیند، سرشان را بالا می گیرند و نگاهی به سمت محوطه جریمه می اندازند. بازیکنی را در محوطه جریمه شناسایی می کنند که می توان برای او شانس برای کسب امتیاز قائل شد، دوباره سر را پایین می آورند و توپ را برای او ارسال می کنند.

هندرسون و داوینینگ از دو جناح حرکت می کنند و به جلو می آیند، سرشان را بالا می گیرند و نگاهی به سمت محوطه جریمه می اندازند. بازیکنی را در محوطه جریمه نمی بینند که بتواند برای لیورپول کسب امتیاز کند پس خودشان را به داخل محوطه متمایل می کنند و اقدام به شوت زنی می کنند.

این تاکتیک غالب بازی های لیورپول در این روزگار شده است. پیشروی خط به خط و تاکتیکی دیگر کمتر در بازی های لیورپول دیده می شود. تعداد پاس های رد و بدل شده متوالی در بین بازیکنان



کومولی به سوالات جواب داد

مترجمین: حبیب حیدری - محمدرضا رحیمی

لیگ و جام های دیگر خوب کار کرده ایم.

البته این کاری برای تنها یک فصل نبود. این کاری برای دو، سه، چهار فصل بود، به خصوص زمانی که شما روی بازیکنان جوان تمرکز می کنید، همانطوری که ما این کار را انجام دادیم. این مربوط به این فصل، فصل بعد از آن و فصل های بعدی خواهد بود و امیدوارم نتیجه تابستان ۲۰۱۱ را ببینیم. تابستانی که بسیار بحرانی بود و ما آن را می دانستیم، پس باید از کاری که انجام دادیم خشنود باشیم.

❖ **چقدر در جذب بازیکنانی که باشگاه در ابتدای تابستان روی جذب آنها تمرکز کرده بود، موفق بودید؟**

من می خواهم بگویم که ما بسیار موفق بودیم. بسیاری از بازیکنانی

پس از بسته شدن پنجره نقل و انتقالات تا ژانویه، دیمین

کومولی، مدیر فوتبال باشگاه، به سوالات هواداران پاسخ داد

❖ **اول از همه، دیمین به ما بگو که چقدر از پنجره نقل و انتقالات و ورود و خروج بازیکنان راضی هستی؟**

خب، ما خوشحال هستیم، اما آنچه که ما در این فصل انجام خواهیم داد و نتایجی که خواهیم گرفت نشان خواهد داد که ما در پنجره نقل و انتقالات چقدر خوب کار کرده ایم. بسیاری از مردم می پرسند: "آیا از عملکردی که داشته ای راضی هستی؟" و من جواب می دهم بله، اما اجازه بدهید که ببینیم در انتهای مارس کجا قرار داریم و چقدر در

را پوشش دهند به مرکز متمایل می شوند و به سادگی به حریف اجازه ایجاد موقعیت برای خود می کنند و در مواقعی که باید به مدافع های مرکزی نزدیک شوند تا اجازه پیشروی در عمق و عرض محوطه جریمه از بازیکنان حریف صلب کنند یا از سرعت بازی جا مانده اند و یا در کناره ها مشغول تماشای جولان دادن بازیکن حریف هستند. اما در خط میانی لیورپول نکته ای که به خوبی می توان شاهد آن بود حفره ای است که در یک سوم رو به جلوی لیورپول وجود دارد. لیورپول با اصرار به نفوذ از جناح ها و حرکت بازیکنان جناح مخالف برای استفاده از توپ های ارسالی به داخل محوطه جریمه، عملاً حفره ای بزرگ به اندازه کل یک سوم زمین حریف را در قلب تیم ایجاد می کنند که تیم حریف می تواند با تیزهوشی از این فضا برای به سادگی به گل رسیدن استفاده کند. که بولتونی ها تنها یک بار از این تیزهوشی استفاده کردند و آن هم در دقیقه پایانی بازی بود که اگر بولتونی ها زودتر به آن پی می بردند و کمی روی آن پافشاری می کردند لیورپول را سرنوشت مختومی دنبال می کرد. این فضای بزرگ به علت نبود بازیکن خلاق یا فانتزی در ترکیب لیورپول ایجاد شده است، سوراخی که چارلی آدام نمی تواند به هیچ نحو با پاس های خود به اطراف و حرکت هایش به عمق آن را پر کند. این نقطه احتیاج به بازیکنی دارد که بتواند در هر لحظه از بازی دید کلی ای از تمامی اتفاقاتی که در زمین بازی می افتد آگاهی داشته باشد که امید می رود با حضور استیون جرارد در پشت مهاجم یا مهاجم های لیورپول این فضای گسترده کاملاً پوشش لازم را دریافت کند.

در آخر باید گفت لیورپول به یک پدر سخت گیر احتیاج دارد. کنی دالگلیش باید جدیت خود را هم به بازیکنان خود نشان دهد و به آنها یادآوری کند که برای که بازی می کنند و با این کار به تیم حریف متذکر شوند که در برابر چه تیمی بازی می کنند. لیورپول باید یاد بگیرد که از بازی نمایشی دست بردارد و یک برتری وقتی برتری کامل است که سوت پایان بازی با برد آنها به صدا درآید. و باید بیاموزد که این لیورپول است که ارجحیت دارد و مهم نیست که نام چه کسی برای زنده گل رو تابلو می رود.

لیورپول هنوز هم تنها مشککش خودش است اگرچه بولتون را شکست می دهد ولی همچنان خودخواهی بازیکنان و فوتبال بی فایده نمایشی اش توی ذوق می زند و دفاع ناهماهنگش آزار دهنده است.

اگرچه شاید همچنان ادامه داشته باشد اما پاس هایی نیست که بتوان به آنها افتخار کرد و بیشتر تنها با یک سانتر در انتها به هدر می رود. لیورپول خط به خط از بازیکنان مناسب و لایق پر شده است ولی چیزی که آن دلهره همیشگی را نمی تواند از سینه لیورپولی ها بیرون ببرد فاصله بین خطوط است. لیورپول در فاصله بین خطوط دفاعی و میانی با حضور لوکاس توانسته است این فضا را پوشش دهد و به جز در مواقع استثنایی که خیلی کم پیش می آید می تواند به تنهایی از عهده برقراری این ارتباط برآید. لوکاس با تکل های بیشمارش و البته صحیح خود، نشان داده است که کم کم به بلوغ سطح دیگری از بازی خود نزدیک می شود و آمادگی آن را دارد تا به زودی سطح بالاتری را تجربه کند. این سطح بالای او کار را برای مدافعان راحت تر کرده است تا بتوانند راحت تر به انجام وظایف خود بپردازند ولی مشکلی که در این بین وجود دارد این است که خط دفاعی در انجام وظیفه قلبی خود همچنان متزلزل است. خط دفاعی لیورپول در زمان لزوم به درستی باز و زمان اضطرار بسته نمی شود.

لیورپول در خط دفاعی از بازیکنان خوبی تشکیل شده است، خوزه انریکه نشان داده است که می تواند نیازهای لیورپول در سمت چپ را کاملاً آن طور که انتظار می رود پوشش دهد. در سمت راست با ترافیک جانسون و کلی و فلائگان، لیورپول را خطری برای حضور بازیکن با کیفیت تهدید نمی کند. اگرچه کلی دوباره در این بازی مصدوم شد ولی با مهیا شدن جانسون برای حضور در ترکیب اصلی می توان نگرانی ها را از خود دور کرد. در مرکز خط دفاع، لیورپول با حضور اگر، کاراگر، اسکرتل، کواتس و ویلسون مشکلی ندارد به جز آن که باید کم کم شروع به استراحت دادن به کاراگر را در بازی هایش شروع کند. کاراگر تا پایان دنیا نمی تواند در مرکز خط دفاعی لیورپول برابر مهاجمان ایستادگی کند و چه خوب است که در این برهه از زمان که لیورپول از مدافعان جوان با کیفیت بهره می برد، آنها را برای کاراگری دیگر برای لیورپول شدن آماده کنند.

عدم باز و بسته شدن درست در هنگام دفاع برای لیورپول همواره بزرگ ترین خطری است که این تیم را در این فصل لیگ برتر تهدید می کند. سه گلی که لیورپول از ابتدای شروع فصل جدید تا به حال تجربه کرده است با احتساب گلی که در بازی با اکستر در کارلینگ کاپ دریافت کرده است، همگی ثمره نداشتن ضربان صحیح قلبی در خط دفاعی است. در زمانی که مدافعان کناری باید کناره های محوطه

که جذب کردیم اولویت های اول ما بودند یا جزو ۲ یا ۳ اولویت اول ما بودند. مشخصاً از نقطه نظر شخصی سخن نمی گویم، اما ما هر کاری که می خواستیم را انجام دادیم و مهمتر از بازیکنان ما در پست هایی که نیاز به قدرتمند شدن داشتیم، توانستیم تیم را تقویت کنیم. بعضی اوقات این خیلی مشکل است، مانند دفاع چپ. فکر می کنم برای هر باشگاهی پیدا کردن یک فول بک چپ بسیار مشکل است. اما ما خیلی خوشحالیم که خوزه را تنها یک روز قبل از شروع لیگ جذب کردیم. دو پستی که پر کردن آنها در فوتبال بسیار مشکل است، دفاع چپ و دفاع مرکزی است زیرا در این دو پست استعدادهای کمی در سرتاسر جهان وجود دارد و ما از این جهت که سباستین کواتس و خوزه انریکه را جذب کردیم خوشحالیم .

*** چه کسانی در جذب یک بازیکن از ابتدا تا عقد قرارداد حضور دارند و نقش خود را ایفا می کنند؟**

این سوال کوتاهی است ولی جواب آن بسیار طولانی است. این با کار استعداد یاب های باشگاه شروع می شود. کسانی که یک یا دو سال کار می کنند تا بازیکنان را شناسایی کنند. آنها گاهی اوقات زمان بیشتر از این را برای شناسایی استعداد ها صرف می کنند. پس از اینکه استعدادیاب ها کارشان را انجام دادند کار من و کنی شروع می شود و آنگاه ما تصمیم می گیریم که آیا او بازیکن مناسبی است یا نه. کنی می تواند بگوید "من او را دوست دارم"، "من او را دوست ندارم"، "او می تواند برای تیم من مناسب باشد"، "او برای تیم من مناسب نیست"، "او همان چیزی است که نیاز دارم"، "او بازیکنی نیست که نیاز داریم" و پس از اینکه او تصمیم فوتبالی را گرفت من برای مالکان شرح خواهم داد که چرا می خواهیم در پی جذب یک بازیکن باشیم و نتایج تجاری آن چه خواهد بود.

آنگاه ما مذاکره با باشگاه و بازیکن را آغاز می کنیم و بعضی اوقات این کار ساده ای است. این کار معمولاً طولانی خواهد بود ولی گاهی اوقات از شروع مذاکره با باشگاه و انجام کارهای اداری تنها چند روز زمان نیاز دارد. ما به اندازه کافی خوش اقبالیم که تیم خیلی خیلی خوبی داریم ، کادر مدیریت و نیروهای انسانی باشگاه کار فوق العاده ای را در پنجره نقل و انتقالات انجام دادند. ما چند قرارداد مشکل داشتیم. ما کار بسیار دشواری با آژاکس در ژانویه داشتیم و در جذب سباستین کواتس هم اوضاع بسیار پیچیده بود و ما تنها چند شب تا پایان زمان نقل و انتقالات داشتیم. این یک فرایند دشوار و پیچیده

بود.

گاهی اوقات مذاکرات بسیار ناامید کننده می شود. زمانی که شما مجبورید برای مسائل بسیار کوچک چندین روز مذاکره کنید. و سپس مراحل دیگر عقد قرارداد خیلی خیلی سریع طی می شود. من از این بخش لذت نمی برم ولی زمانی که انعقاد قرارداد با آن بازیکن کامل می شود احساس بسیار خوبی دارم. شما می توانید ببینید که هر بازیکنی خوشحال است، کنی خوشنود است و مالکان نیز خوشنود هستند، بازیکنانی که اینجا هستند نیز خوشحaland و ما می دانیم که آنها بازیکنان مهمی برای ما در آینده خواهند بود، بنابراین بودن در اینجا برای هر کسی لذت بخش است.

*** شبکه استعداد یابی شما چقدر بزرگ است و می توانی**

به ما بگویی که فرایند استعدادیابی تو به چه صورت است؟

ما شبکه استعداد یابی بسیار گسترده ای در سرتاسر جهان داریم. از زمان پیوستنم به باشگاه، شبکه استعدادیابی خود را در بریتانیا گسترش دادیم. اکنون ما استعدادیاب های تمام وقتی را داریم که به طور دائم کار می کنند. ما هشت یا نه استعدادیاب تمام وقت

در سراسر جهان داریم که

برای کار خود به کشور

های مختلف سفر می

کنند و تعداد زیادی

استعداد یاب نیز

در انگلستان

داریم. استیو

هیچن شبکه

استعدادیابی

ما را در

خارج از

کشور رهبری

می کند و

دو استعدادیاب

داخل کشور، مال

هاتچینسون و آلن هارپر نیز شبکه داخل بریتانیا را رهبری می کنند.

در خارج از کشور آنها برای سنین ۱۶ سال به بالا و در داخل از

۱۸/۱۷ تا تیم اصلی کار می کنند. آن ها برای تیم رزرو و تیم اصلی

کار می کنند. بنابراین ما تعداد زیادی استعداد یاب داریم که برای

آکادمی در داخل بریتانیا و خارج از کشور تلاش می کنند. آنها به طور

محلی در اطراف لیورپول و شمال غرب کار می کنند.

اگر استعداد یابی بازیکنی را شناسایی کند با او سفر خواهد کرد: در

داخل خانه، بازی های خارج از خانه، در هوای خوب و بد و بررسی می

کند که اگر او یک مهاجم است می تواند در کناره ها هم بازی کند،

در راست یا چپ و جلو و می تواند تمام وظایف محوله را انجام دهد.

اگر بازیکنی توسط استعدادیاب محلی معرفی شد، یکی از

استعدادیاب ها بازی او را تماشا خواهد کرد و این زمانی است

که من کارم را شروع می کنم تا هم بازی او را ببینم و هم

آمار او را بررسی کنم. اگر همه چیز مثبت باشد ما او را به

کنی معرفی می کنیم و می گوییم "ما در پی یک دفاع چپ

بودیم-ما فکر می کنیم او یکی زا آنهاست و اینکه او می تواند

در این لیست نفر اول، دوم یا سوم باشد." پس از آن برای عقد

قرارداد می رویم. این یک فرایند طولانی است

*** شما گفتید که برای مالکان شرح می دادید که**

باید بازیکنی را بخرید یا به فروش

برسانید. چگونه آنها را متقاعد

می کردید که پیش از فروش

برخی بازیکنان، باید بازیکنان

دیگری را جذب کنید؟

قانع کردن مالکان کار

ساده ای نیست. آن ها

انسان هایی هستند که

می خواهند در هر کاری

که انجام می دهند برنده

باشند. سوالی که آن ها

می کنند این است "چطور

می توانیم پیروز شویم؟"

آنها می خواهند برنده باشند

و اگر می خواهند برنده باشند باید

اوضاع را خیلی زود تغییر داد. طبیعی بود که اگر ابتدا منتظر فروش

بازیکنان می ماندیم زمان زیادی را از دست می دادیم و در درجه دوم

هدف ما برای تغییر دادن اوضاع خرید بازیکن بود و آنها گفتند "اوکی،

حالا ما آماده ایم که برای خرید بازیکنان اقدام کنیم".

آنها خیلی سریع کار کردند و همانطور که پیش از این هم گفتم

شما به عنوان یک مالک باید شجاع باشید و این را بپذیرید که اگر ما

در انتها بازیکنانی را نفروخته باشیم، مجبوریم که این کار را انجام دهیم

و این هزینه در بر خواهد داشت. به این دلیل است که من معتقدم آنها

بسیار بسیار شجاع هستند. آنها این فرایند را خیلی زود درک کردند و

گفتند که می خواهند شانس خود را بسنجند و اوضاع را تغییر دهند.

اگر به طور دراماتیکی بتوانیم اوضاع را با خرید بازیکنان پیش از فروش

سایر بازیکنان تغییر دهیم این کار را می کنیم. ما به تو و کنی ایمان

داریم و اجازه می دهیم این کار را انجام دهید.

*** چقدر نظرات سرمربی و کادرفنیش در امضای قرارداد با بازیکن**

خاصی دخیل بود ؟

سهم عمده ای داشت چون که اگر بازیکنی با کنی ارتباط راحتی

نداشته باشد خب ، جذبش نخواهیم کرد. او اولین و آخرین کسی است

که می گوید ، " من خیلی با این بازیکن راحتم " و " من این را به

شما توصیه می کنم " یا " من این را به شما توصیه نمی کنم " . کنی

نقش بسزایی دارد ، قطعاً خیلی اهمیت دارد. به طور مداوم همواره این

بحث ها میان کادر مربیان جاری است چون که استیو هم مدت زیادی

را در بالاترین سطح در دیگر باشگاهها کار کرده است ، او در مقابل

خیلی از بازیکنان و تیم ها بازی داشته است و تیم هایش هم در مقابل

بازیکنان زیادی در لیگ قهرمانان و رقابتهای دیگر بازی کرده اند ،

خب همیشه شما از نظرات کادرمربیان می بایست برخوردار باشید .

زمانی که در تابستان به دنبال دروازان بودیم که شماره دویی را برای

ذخیره په په بیاوریم ، مسلماً جان (آچتبرگ) سهم تعیین کننده

ای داشت . من اطلاعات و دی وی دی هایی را به او دادم و گفتم ما

یک گزینه داریم . او در زمینه دروازانان متخصص است . کاملاً به او

اعتماد دارم که بگوید " بله " یا " خیر " و نظرش را بگوید چون که

مربیان دروازانان چیزهایی را می بینند که هیچ کس شاید نبیند .آنها

در این پست نقطه نظراتی دارند که اغلب به آنها می گویم به زبان من

صحبت کنند ! فکر نمی کنم در خصوص دروازانان برخلاف توصیه

جان کاری را صورت داده باشیم .

صحبت کردید؟

قطعا این خیلی به بازیکن بستگی دارد. استیوی، برای نمونه، با جردن هندرسون بازی می کرد، آن ها با هم در ویمبلی برای بازی با فرانسه بازی و تمرین کردند، خب البته هوش زیادی نمی خواهد که این پرسش را از استیوی کنیم. من از او پرسیدم، او چگونه بازیکنی است؟، بصورت شخصی، در تمرینات چگونه

است؟، رفتارش بیرون از زمین چطور است؟، فرد با ادبی است؟، و شبیه این چیزها را پرسیدم. دقیقا همینطور در ژانویه هم با استیوی و دیگر بازیکنان انگلیسی در خصوص اندی کارول صحبت کردم. یا به طور مشابه با درک کویت صحبت کردم به عنوان یک هلندی، او شناخت خیلی زیادی در مورد لوئیز سوارز داشت. همیشه باید بدنبال مرجع باشید. قصد ندارم بگویم که به توصیه یک بازیکنی با یک بازیکن دیگر قرارداد می بندیم، ولی گفتگوی زیاد و ارتباط زیاد خیلی در روند کار بهتر خواهد بود.

* خیلی از هواداران این سوال

را می پرسند که چرا باشگاه

اجازه داد رائل میرلس

باشگاه را ترک کند و به یکی

از رقبای ما ملحق بشود؟

فکر می کنم رائل خودش در مصاحبه ای که من دیدم این را پاسخ داد. اساساً، او نزد من آمد و گفت که "می خواهم بروم، و قصد دارم در باشگاه دیگری بازی کنم". قصد فروشش را نداشتیم

ولی زمانی که درخواست انتقال را داد در شرایط سختی قرار گرفتیم چرا که گفت می خواهد برود و قصد ندارد بیش از این برای لیورپول بازی کند. فکر می کنم مالکان و کنی هم با او صحبت کردند، و



همگی دیدگاه مشترکی داشتیم. وقتی که کسی نمی خواهد اینجا باشد سخت است که بگویید "تو باید بمانی". ما این شرایط را در ژانویه با فرناندو تورس هم داشتیم و در چنین وضعیتی مشابهی قبلا قرار گرفته بودیم. ما کارمان را انجام دادیم، فکر می کنیم این کار درستی برای باشگاه بود، چون که خیلی خیلی دشوار است که کسی که نمی خواهد اینجا باشد را مجاب به ماندن کنید. کار سرمربی در لیگ برتر بسیار دشوار است چرا که باید ۲۵ بازیکن را

مدیریت کنید و تنها ۱۱ بازیکن را در روز می توانید به زمین بفرستید، خب شما باید با همه بازیکنان قرارداد منعقد کنید. و از همه مهم تر این که اگر کسی را داشته باشید که یک دنده باشد و نخواهد اینجا بماند و می خواهد جای دیگری بازی کند، بنابراین جوانب را نگاه کردیم و دیدیم بهتر است او برود و این بهترین امکان برای باشگاه است. در آخر فکر می کنم کار درستی انجام دادیم.

* همینطور شماری از هواداران هم می خواهند بدانند چرا آلبرتو آکویلانی اجازه پیدا کرد که بصورت قرضی از تیم جدا شود

در حالی که در پیش فصل خیلی

اثرگذار نشان داد؟

در مورد او بیشتر فرصت های بازی کردن مطرح بود. واضح است که او یک بازیکن بزرگ است، او بازگشت خیلی خوبی داشت و بازیکن خیلی خوبی است. ولی کنی و کادر مربیان احساس می کردند او باید پست ثابتی داشته باشد. در تابستان با او صحبت کردم، البته در این پست

فردی چون استیون جرارد قرار دارد که امکان بازی کردن را برای آلبرتو دشوار می کرد. دلایل زیادی وجود داشت. دلایل تاکتیکی، در حقیقت او باید در این پست بازی می کرد و احساس می کردیم حفظ



او خیلی دشوار است با وجود این که مرتب هم نمی تواند بازی کند. من باید بگویم که عملکرد و رفتار آلبرتو مرا خیلی تحت تاثیر قرار داد. او واقعا در کلاس خاصی بازی می کند. تنها قصدش فوتبال بازی کردن بود. او اصلا به فکر پول یا چیز دیگری نبود و این خیلی زیباست، طرز رفتار و شخصیتش هم مرا تحت تاثیر قرار داد.

* حقیقت دارد که ابتدا در پی ادن هازارد به عنوان بخشی از قرارداد

قرضی جو کول بودیم؟

خیر، درست نیست. من هم این گزارش ها را دیدم، ولی درست نیست. او بازیکن خیلی خوبی است و همه او را می شناسند، ولی این مورد حقیقت ندارد.

* چرا دنی پاچکو را به صورت قرضی منتقل کردیم؟

دنی بصورت قرضی رفت چون که می خواستیم او در جای دیگر در تیم اول ببینیم. سال گذشته او به دسته اول رفت و شروع خوبی داشت، و در چند بازی به عنوان ذخیره بازی کرد بود، ولی در آن بازی ها هم خیلی خوب بازی کرد. می دانستیم که او چقدر در سطح جوانان خوب است، واقعا در مسابقات قهرمانی زیر ۱۹ ساله های اروپا زمانی که اسپانیا در فینال به فرانسه باخت او واقعا خوب بازی کرد، همینطور در جام جهانی زیر ۲۰ ساله در ماه آگوست در کلمبیا خوب ظاهر شد، ما آنجا بودیم و همه بازی هایش را تماشا کردیم.

گام بعدی باید او را در تیم اصلی قرار می دادیم؟ این برایش سخت بود که در تیم اصلیمان بازی کند، بنابراین ترجیحا باید در تیم رزرو بازی می کرد، اما درصدد بودیم اگر فرصتی مهیا شود او بصورت قرضی به یک تیم خوب و لیگ سطح بالایی برود، و ببینیم او می تواند این کار را انجام دهد تا بتواند پیشرفت کند، این فرصت خیلی خوبی بود. این پاسخ کار ما بود.

این را یک انتقال قرضی پیشرفته می نامم. بازیکنی که به صورت قرضی می رود، می تواند شاهد پیشرفتش باشد و این نشانه بسیار مستحکمی برای ما و آینده او خواهد بود. این بی شباهت به پیتر گولاکسی نیست، کسی که به حال سیتی به صورت قرضی رفت. فکر می کنیم پیتر پتانسیل فوق العاده ای دارد و این را در آینده خواهید دید، او در زیر ۲۱ ساله های مجارستان خیلی خوب بازی می کند، او کاپیتان تیم بود، در تورنمنت تولون بازی کرد و در اواخر ماه می با تیم های خیلی خوبی بازی کرد که عملکردش کاملا برجسته

و نمایان بود، احساس می کنیم امسال سال تعیین کننده ای در پیشرفتش است.

ما بصورت کاملا نزدیک آنان را زیر نظر خواهیم داشت







دلیل برای قهرمانی لیورپول در این فصل

وقتی که فصل جدید آغاز شد صحبت بر سر این بود که آیا لیورپول می تواند به جمع ۴ تیم برتر لیگ جزیره بازگردد و یا در لیگ قهرمان شود و افتخاری دیگر به اتاق افتخارات خود اضافه نماید؟ این در حالی بود که لیورپول در بازی های پیش فصل خود نتایج خوبی نگرفته بود، ولی در بازار نقل و انتقالات فعالیت زیادی داشت و مبلغ زیادی برای به خدمت گرفتن استیوارت داوینینگ و جردن هندرسون صرف کرده بود. با تمام این اوصاف دلایل زیادی وجود دارد که بیان می کند لیورپول بار دیگر به جمع ۴ تیم برتر باز خواهد گشت و چه بسا قهرمان جزیره نیز بشود، در این جا به ۶ دلیل اشاره می کنیم:

- ۱- لوئیز سوارز ۲- فعالیت در بازار نقل و انتقالات ۳- غایب بودن در رقابت های اروپایی ۴- ثبات در تیم ۵- استیون جرارد ۶- کنی دالگلیش

لوئیز آلبرتو سوارز یکی از از فاکتورهای مهم برای موفقیت لیورپول در این فصل خواهد بود. آمار او برای بازیکنی که در نیم فصل دوم به تیم اضافه شده، فوق العاده است.

این بازیکن اروگوئه ای، بعد از فرناندو تورس در خط حمله خوش درخشیده است. "ال پیستولرو" همچنین به دلیل ۴ گلی در بازی های کوپا آمریکا برای اروگوئه به ثمر رساند، در کشور خود بسیار محبوب و مشهور است.

همچنین با توجه به حضور موفق او در نخستین فصل حضورش در انگلستان، به نظر می رسد برای هماهنگی با شرایط لیگ برتر مشکلی نخواهد داشت. پس اجازه بدهید شماره ۷ تیم را بهترین گلزن لیگ برتر فرض کنیم.



فعالیت لیورپول در تابستان برای جذب بازیکنان، نسبت به زمان حضور هیکس و ژیلت بسیار افزایش یافته است. استیوارت داوینینگ که گران ترین خرید تابستانی ما محسوب می شود، برای سال ها در رادار تیم قرار داشت، ولی مالک جدید تحت تاثیر مهارت های او قرار گرفته و مبلغ مورد نیاز برای جذب او را پرداخت نمود.

همچنین جذب جردن هندرسون و چارلی آدام در کنار حضور استیون جرارد، نیز میانه ی میدان را برای لیورپول بیمه خواهد کرد.

خوزه انریکه نیز می تواند به عنوان مدافع چپ که از زمان حضور ریسه تا کنون (حتی با حضور دوسنا، کانچسکی و اینسوا) با مشکل رو به رو بوده است، به خوبی ایفای نقش کند



غیبت لیورپول در جامهای اروپایی موجب می شود تا این تیم تمام تمرکز خود را بر روی لیگ برتر و جام حذفی و جام اتحادیه بگذارد.

این موضوع برای لیورپول یک امتیاز نسبت به دیگر رقبای خود محسوب می شود. لیورپول می تواند امتیازات بیشتری نسبت به دیگر رقبای جمع آوری نماید و قهرمانی لیگ را کسب کند



انقلاب قرمزها

نویسنده: الکس دی‌موند ، مترجم: طیبه ایزدی

مهمترین تغییر پس از ورود مالک جدید به باشگاه، ایجاد ثبات در تیم بود. مدتی پس حضور جان هنری به عنوان مالک، کنی دالگلیش سرمربی، استیو کلارک دستیار سرمربی و دیمین کومولی به عنوان مدیر ورزشی باشگاه انتخاب شدند و روح تازه‌ای به باشگاه دمیده شد. این در حالی بود که کنی دالگلیش و دیمین کومولی در رابطه با مسائل مالی نیز از سوی مالک جدید حمایت می‌شدند.



یک رهبر، موتور محرک تیم، یک اسطوره و کسی که سالیان سال است به عنوان قلب و روح لیورپول شناخته می‌شود. رهبری او در زمین در کنار تحرک فراوانش در میدان، موجب شد تا یک گل به یاد ماندنی در شبی به یاد ماندنی به ثمر برساند، بله! در شب خاطره‌انگیز استانبول در بازی برابر آث میلان، در حالی که لیورپول با نتیجه ۳-۰ از حریف خود عقب بود، در نهایت نتیجه را به تساوی کشاند و در ضربات پنالتی حریف خود را شکست داد و جام قهرمانی را تصاحب کرد. اولین گل لیورپول در آن بازی را استیون جرارد به ثمر رساند، همین موضوع باعث شد لیورپول روحیه‌ای مضاعف کسب کند و در نهایت برنده بازی شود.



جرارد هم اکنون به عنوان یک الگو برای دیگر بازیکنان شناخته می‌شود، در همین رابطه خرید جدید لیورپول، جردن هندرسون اظهار داشته است که دوست دارد که در کنار بازیکن بزرگی چون جرارد بازی کند و معتقد است که جرارد می‌تواند لیورپول را برای کسب نوزدهمین جام قهرمانی یاری دهد.

سال بدون قهرمانی در لیگ برتر... و اکنون کینگ! او به عنوان یک اسطوره به باشگاه بازگشته است، باشگاهی که همیشه در قلب او جای خواهد داشت. برای بازگرداندن لیورپول به جایگاه واقعی‌اش و برای تحقق رویاهای هواداران بار دیگر به تیم محبوب خود بازگشته است. او آخرین سرمربی بود که توانست لیورپول را در لیگ برتر به قهرمانی برساند و انتظار می‌رود نخستین سرمربی باشد که می‌تواند نوزدهمین جام قهرمانی را برای لیورپول به ارمغان بیاورد و تعداد جام‌های لیورپول را با شیاطین سرخ برابر کند.



حضور کینگ در تیم چه تاثیری داشت؟ لیورپول با حضور او در نیم فصل گذشته توانست از رتبه شانزدهم، به رتبه ششم صعود کند. در حقیقت می‌توان گفت لیورپول با ۱۹ بازیکن، برای نوزدهمین قهرمانی در لیگ برتر، با حضور ۱۹ سرمربی از ابتدا تا حال، با ۱۹ تیم دیگر در لیگ خواهد جنگید!

۱۲ ماه قبل، پیش از آنکه دوست و شریک تجاری اش "جو یاونشفسکی"، درباره ی وضع بحرانی و اسفناک باشگاه مورد علاقه اش، برای او ایمیلی بفرستد، "جان دبلیو هنری" چیز زیادی از فوتبال و لیورپول نمی دانست.

زمانی که کشمکش های ذهنی کنی دالگلیش، مردی که عشق به لیورپول در رگ هایش جریان داشت، شدیدتر از همیشه شده بود، اتفاق، این دو مرد – کنی دالگلیش و جان دبلیو هنری – را به هم رساند تا برای بیرون کشیدن لیورپول از گرداب بحران، تمام تمرکز خود را به کار گیرند.

پس از روزهای تاریک حضور تام هیکس، جرج ژیلت و روی هاجسون، که هواداران را از فراموش شدن افتخارات لیورپول می ترساند، دالگلیش و جان دبلیو هنری تحولی بزرگ در تیم ایجاد کردند، آنچنان که امید به هوادران لیورپول بازگشت و بی صبرانه، منتظر حضور دوباره در لیگ قهرمانان اروپا، و صدر لیگ برتر شدند.

با وجود کارهای تحولی صورت گرفته، بعضی از تغییرات چیزی بیشتر از انجام دوباره ی کارهای کنار گذاشته شده در روزهای سیاه لیورپول نبود. شاید نشود این دست کارها را کارهایی تحولی نامید، اما انجام دوباره ی آن کارها در روزهای بازگشت امید، یک پیشرفت مهم تلقی می شد.

اما نقش جان دبلیو هنری در ایجاد این تحولها، در مصاحبه ی های مطبوعاتی اش بیش از پیش مشخص شد. او در این مصاحبه ها هدف تیم را بازگشتن به دوران اوج و افتخار معرفی می کرد و هیچ اکراهی در برابر سرمایه گذاری برای خرید بازیکن نشان نمی داد. او این موضوع را با بودجه ای که در اختیار دالگلیش قرار داد، ثابت کرد. بودجه ای که دالگلیش با آن چارلی آدام (۷ میلیون پوند)، جردن هندرسون (۱۶ میلیون پوند)، استیوارت داونینگ (۲۰ میلیون پوند)، خوزه انریکه (۶ میلیون پوند) و سباستین کوتس (۸ میلیون پوند) را در فصل نقل و انتقالات تابستانه به لیورپول آورد. دالگلیش در فصل نقل و انتقالات زمستانه نیز مجموعاً ۵۵ میلیون پوند برای خرید سوارز و کارول، خرج کرده بود.

جان هنری پیش از حضور در لیورپول، ذکاوت خود را در سرمایه گذاری روی دانه های سوپا نشان داده بود. ذکاوت او در سرمایه گذاری روی تیم بیسبال " بوستون رد ساکس " و رساندن این تیم به اوج، بیش از پیش برای همه روشن شد.

شاید در ابتدا به نظر می رسید که جان دبلیو هنری، از روشی که در کتاب مایکل لوییس، " توپ پول (Moneyball) " بیان شده است (یعنی سوء استفاده ی باشگاههای دیگر برای خرید بازیکن از دیگر تیم ها که در ارزش گذاری، قیمت ها را کمتر از حد واقعی خود می گویند تا بدون هرگونه ضرری، بازیکن مورد نظر خود را به دست آورند.) درمورد لیورپول ضربه بخورد. اما پس از تکمیل دو فصل در نقل و انتقالات، معلوم شد که چنین اتفاقی در لیورپول رخ نخواهد داد. جان هنری پیش از تملک باشگاه بوستون رد ساکس، مالک باشگاه کم افتخارتری به نام " فلوریدا مارلینز " بود، باشگاهی که خود نیز به شخصه هوادارش بود. تا قبل از به دست آوردن فلوریدا مارلینز، جان هنری یکی از طرفداران روش های مایکل لوییس بود، اما پس از تملک آن باشگاه، تمایل زیادی برای اجرای روش های لوییس در باشگاهش نشان نداد.

مایکل لوییس در کتاب خود می گوید: " شخصی که هیچ وقت بیسبال بازی نکرده است نمی تواند یک باشگاه بیسبال در لیگ برتر را در اختیار داشته باشد. حتی اگر آن باشگاه برایش از نظر احساسی ارزشی بسیار بالا داشته باشد. چون آن شخص هیچ وقت شخصاً بیسبال بازی نکرده است، نمی تواند اعضای کارآمدی برای تیمش استخدام کند و همین موجب طرد شدن او از باشگاه می شود.

این پیش بینی مایکل لوییس کمابیش در فلوریدا مارلینز برای جان هنری به واقعیت پیوست و او درسال ۲۰۰۲ این باشگاه را واگذار کرد و مالکیت باشگاه بوستون رد ساکس را به دست آورد. او که تلاش می کرد اشتباهات گذشته ی خود درباره ی فلوریدا مارلینز را در بوستون دوباره مرتکب نشود، تمامی کادر فنی تیم را از بازیکنان قدیمی و سرشناس بیسبال انتخاب کرد و " تتو اپشتاین " ۲۸ ساله را که از دانشگاه " ییل " فارغ التحصیل شده بود، برای مربی گری تیم به خدمت گرفت. دو سال بعد، بوستون رد ساکس اولین قهرمانی جهانی خود در ۱۰۰ سال گذشته را به دست آورد.

بعضی ترس از این دارند که تجربه ی ناموفق جان هنری در فلوریدا مارلینز، دوباره در لیورپول تکرار شود، چون او همان طور که در ابتدا با دنیای بیسبال آشنایی چندانی نداشت، حالا با دنیای فوتبال نیز آشنایی زیادی ندارد. اما آن طور که به نظر می رسد، جان هنری تجربه ی ناموفق خود را پشت سر گذاشته است و قصد دارد تجربه ی موفقش در بوستون رد ساکس را دوباره در لیورپول اجرا کند.

جان هنری در مصاحبه ای با " تلگراف " گفت: " من دوست دارم بدانم که دلیل کارهایی که هر بازیکن با توجه به توانایی های خود در زمین انجام می دهد، چیست و ما در مجموع در زمین چه کار می کنیم. دوست ندارم به عنوان مالک باشگاه، کارم را طوری انجام دهم که ندانم قدم های کوچک یا بزرگی که بر می داریم برای چه برداشته شده اند و انتهای راه مان کجاست.

دالگلیش، که می توان گفت تا حدی خوش شانس بوده است، و دیمین کومولی، که بعد از تحقیق بسیار به لیورپول پیوست، در مرکز فرماندهی تیم قرار دارند. سران باشگاه چیزی جز ستایش از دالگلیش ندارند. اما سران باشگاه، بالاتر از ستایش های خود که سرچشمه گرفته از فعالیت های بی نظیر کنی دالگلیش است، بیشتر از یک مربی قوی با عملکرد خوب در فصل نقل و انتقالات، روی دالگلیش و فکر فوتبالی درخشانش، حساب می کنند.

تام ورنر، یکی از شرکای اقتصادی جان هنری و یکی از سهامداران لیورپول و بوستون رد ساکس، گفته است: " من در حال حاضر هیچ کس را سراغ ندارم که در قدرت رهبری، تفکر و شیوه ی هدایت تیم، بهتر از کنی دالگلیش باشد. به نظر من او ذاتاً رهبر است. او می تواند هدف را ذره ذره در رگ های تیم به جریان درآورد. من فکر می کنم که افراد حاضر در تیم، همه مطیع حرف های او هستند.

پیش از پیوستن هاجسون به لیورپول در ماه ژانویه، کنی دالگلیش که درحدود یک دهه مربی گری تیمی را بر عهده نداشت، می توانست بهترین گزینه برای هدایت لیورپول باشد.اما به نظر می رسید که متقاعد شده بود تصمیم گیری در نقل و انتقالات و بازی تیم را به دیگران واگذار کند. پس از مدتی مشخص شد " دیمین کومولی " نیز از همین " دیگران " خواهد بود. جان هنری پیش از این از طریق " بیلی بین " مربی تیم " اوکلند اتلتیکز " در لیگ برتر بیسبال آمریکا، با دیمین کومولی، آشنا بود.

شاید دیمین کومولی برای لیورپول، به منزله ی تتو اپشتاین برای بوستون رد ساکس باشد. تام ورنر درباره ی این موضوع گفته است: " بدون شک نحوه ی گزینش کومولی برای لیورپول، مثل انتخاب اپشتاین برای رد ساکس بود. " البته هدایت کردن یک تیم فوتبال از یک تیم بیسبال پیچیده تر و سخت تر است. همان طور که جان دبلیو هنری در مصاحبه با " وال استریت ژورنال " گفته است: " تعیین کارهای بازیکنان در زمین فوتبال برای گلزنی، خیلی سخت تر و

پیچیده تر از تعیین کارهای بازیکنان در زمین بیسبال است.

کومولی درباره ی دوستی اش با بیلی بین، مردی که توانست اوکلند اتلتیکز را با وجود کمبود بودجه به خوبی هدایت کند، گفته است: " همانقدر که من بیسبال را دوست دارم، او فوتبال را دوست دارد. خیلی از چیزهایی که من در مورد هدایت کردن یک تیم یاد گرفته ام، از نحوه ی بازی اوکلند اتلتیکز و هدایت بیلی حاصل شده اند.

چیزی که کومولی از بیلی بین یاد گرفت، می تواند این شیوه ی بین باشد که هیچ وقت بازیکنان خیلی جوان را وارد تیم اصلی نمی کرد. شاید آنها زمانی که در دبیرستان بازی می کنند، پتانسیل بسیار بالایی داشته باشند، اما پتانسیل پیشرفت برای بین، معنای دیگر واژه ی " ریسک " است.

این همان چیزی است که شاهد اجرای آن در فصل نقل و انتقالات در لیورپول بودیم. آنها مبالغ قابل توجهی برای به خدمت گرفتن چارلی آدام، استیوارت داونینگ و جردن هندرسون خرج کردند، با این که می توانستند این پول را برای به خدمت گرفتن ستاره های جوانی مثل الکس اوکسلید–چمبرلین (که با ۱۲ میلیون پوند به آرسنال پیوست) و کانر ویکهام (که با ۷ میلیون پوند به ساندرلند رفت) خرج کنند. بازیکنانی که لیورپول به خدمت گرفت، بازیکنانی هستند که فصل های کاملی را با بازی های بسیار درخشان در لیگ برتر گذرانده اند.

جان هنری در مصاحبه با تلگراف گفته است: " شاید همه فکر می کردند که لیورپول در فصل نقل و انتقالات تابستانه، خیلی بیشتر از آن چیزی که بازیکنان انگلیسی می ارزیدند، برای آن ها خرج کرده است. اما وقتی بازیکنان انگلیسی، خیلی خوب در لیگ برتر ظاهر می شوند و می درخشند، باید هم مبالغ زیادی برایشان خرج کرد. نگاهی به قیمت هایی که برای اوکسلید–چمبرلین و ویکهام پرداخت شده است بیندازید. ما هر بازیکنی را با دلیلی خاص به خدمت گرفته ایم.

به نظر میرسد دلایلی که جان هنری از آنها سخن به میان آورده است، عمدتاً بازی سازی و ایجاد موقعیت گل باشند. چند سالی است تیم هایی که فصل را در رده های بالای جدول لیگ برتر را به اتمام می رسانند، همان تیم هایی هستند که تعداد گل های زده ی بالایی دارند. شاید همین موضوع باعث شده است تا گلزنی به یکی از مهم ترین هدف های بازی تیم ها تبدیل شود (البته زمانی بیشتر تیم ها در لاک دفاعی خود بیشترین فعالیت را داشتند و کاملاً طبیعی بود



تاثیر غیبت از رقابت‌های اروپایی

نویسنده: کریگ بلومفیلد ، مترجمین: گلنوش شکوری – علی امیری فر

در حالی که مرحله ی گروهی لیگ قهرمانان و لیگ اروپا این هفته آغاز شد برای اولین بار در ۱۱ سال گذشته لیورپول در آنها حضور ندارد . یا به بیانی روشن تر، از زمانی که لیگ های اروپایی در سال ۱۹۶۴ آغاز شدند، لیورپول تنها در سه دوره ی آنها حاضر نبود (منهای سالهای محرومیت تیم های انگلیسی پس از فاجعه ی هیسل).
بیایید این سه فصل و پیامد های آنها را بررسی کنیم :

فصل ۱۹۹۳-۹۴

چرا لیورپول در این فصل به لیگ های اروپایی راه نیافت ؟

فصل قبل از آن لیورپول با سونس بدترین فصلش را در سه دهه ی اخیرش داشت و در اولین فصل شروع لیگ برتر در رده ی ششم قرار گرفت.

این بدترین رتبه ی باشگاه پس از سال ۱۹۶۵ بود. در جام حذفی نیز لیورپول در دور سوم در آنفیلد مقابل بولتون ۲-۰ شکست خورد و در

لیگ کاپ هم قبل از کریسمس مقابل کریستال پالاس حذف شد.

نشان دادن نتیجه ی نهایی خود، نیازمند صبر است.

خود جان هنری در این باره می گوید: " ما احتیاج به زمان داریم تا همه چیز را در لیورپول رو به راه کنیم و تیم را به اوج برسانیم. ما این کار را در بوستون انجام دادیم و می توانیم آن را دوباره در لیورپول اجرا کنیم. "

آنفیلد نیز مانند " فنوی پارک " (زمین اختصاصی بوستون رد ساکس) دوباره به اوج شکوه خود باز خواهد گشت. و هواداران زمانی به اوج خوشحالی می رسند که تیم محبوبشان زیبا بازی کند و برنده از میدان خارج شود. اینجاست که نقش دالگلیش بیش از پیش تعیین کننده می شود.

دنیل اگر در مصاحبه ای پس از بازی با بولتون گفت: " شیوه ای که او (کنی دالگلیش) از ما می خواهد در زمین به کار بگیریم، این است که پاس کاری کنیم و جلو برویم. این فقط یک امر ساده نیست. این شیوه مستلزم ترکیبی از بازیکنان خوب، سرمربی خوب و مربیان خوب در کنار سرمربی است. نتیجه گرفتن مهم ترین چیز در فوتبال است که اگر با این شیوه به دست آید، مثل یک جایزه ی بزرگ است. "

در آخر باید گفت که با وجود کنی دالگلیش برای هدایت تیم، دیمین کومولی برای تعیین استراتژی تیم و جان هنری، در رأس، برای تأیید همه ی قدم ها، لیورپول شایسته ی بازگشت به روزهای اوج و قهرمانی است.



که در آن زمان، دفاع مهم ترین هدف بازی تیم ها به حساب آید). همه ی گل ها پس از این که فرصت گلزنی ایجاد شود، به ثمر می رسند. پس منطقی است که تیمی که فرصت گلزنی بیشتری داشته باشد، شانس بیشتری برای بردن بازی دارد.

تا اینجا مشخص می شود که خرید هیچ کدام از هافبک هایی که به لیورپول آمده اند، تصادفی نبوده است. هر سه ی این هافبک ها، در بین ۸ بازی ساز برتر لیگ برتر در فصل گذشته قرار داشتند و از بهترین ها در فرستادن پاس گل بوده اند. همچنین در ۶ سال گذشته، تنها ۴ بازیکن توانسته اند بیشتر از استیوارت داویننگ (که دیمین کومولی درباره او می گوید: " همه می گویند او در زمین خیلی بیشتر از یک وینگر است. ") موقعیت گل ایجاد کنند.

به خدمت گرفتن این بازیکنان توسط لیورپول، می تواند ریسکی بزرگ باشد. این سه بازیکن برای این به خدمت گرفته شده اند که موقعیت گل ایجاد کنند تا سوارز و اندرو کارول، آنها را به گل تبدیل کنند. اما کمتر موفقیت آمیز بودن این استراتژی، نشان داد که هیچ کس نمی تواند همه چیز را در فوتبال پیش بینی کند.

همچنین باید این را در نظر داشت که بازی این سه بازیکن به خاطر تغییر کردن هم تیمی ها و شاید پست بازی شان، می تواند با بازی ای که از آنها در تیم های قبلی شان دیده ایم، متفاوت باشد. اگر این سه بازیکن به طور همزمان در زمین حضور داشته باشند، بیشتر کار دفاعی بر عهده ی یک نفر، که معمولاً لوکاس لیوا است، قرار می گیرد. اما خرید انریکه و کوتس، می تواند این ضعف را برطرف کند.

درست است که بازیکنانی مثل دیوید انگوگ و آلبرتو آکوئیلانی از لیورپول جدا شدند، اما بازیکنان دیگری با سوابقی درخشان به لیورپول پیوستند که می توانند قوی شدن لیورپول را تضمین کنند. پیوستن کریگ بلیمی در آخرین ساعات فصل نقل و انتقالات و جدا شدن دیرهنگام میرلس از لیورپول، تغییرات مهمی در لیورپول تلقی می شوند که به طبع، تأثیراتی کمابیش مثبت یا منفی را به دنبال دارند.

تا انتهای فصل نقل و انتقالات تابستانه، جان هنری بودجه ی بسیاری برای خرید بازیکن در اختیار کنی دالگلیش قرار داد. شاید با وجود مالکان قبلی چنین اتفاقی هرگز در لیورپول نمی افتاد. به نظر می رسد جان هنری قصد دارد دوباره شیوه ای که در بوستون رد ساکس به کار برد را این بار در مورد لیورپول به کار گیرد. این شیوه برای

آن فصل چه اتفاقی افتاد؟

عدم حضور در لیگ های اروپایی نه تنها اوضاع را برای سونس و یارانش بهتر نکرد، بلکه شرایط بدتر و بدتر شد . ظهور رابی فاوُلر و گل های او هم نتوانست از بدتر شدن اوضاع جلوگیری کند و حتی ۶ گلی که در ۵ بازی در لیگ کاپ به ثمر رساند، هم نتوانست جلوی حذف شدن در ضربات پنالتی مقابل ویمبلدون را بگیرد. از لحظات خوب این فصل، بازی برابر منچستر، تیم دوم آن فصل، در آنفیلد بود که به رغم اینکه در ابتدا لیورپول سه گل دریافت کرد با درخشش نایجل کلاف (Nigel Clough) بازی به تساوی کشیده شد. اما اوضاع با شکست و حذف در مقابل بریستول سیتی، در آنفیلد، بدتر نیز شد

سونس در ژانویه برکنار شد و به جایش یکی از اعضای سابق کادر فنی، یعنی روی ایوانز، مربی قرمزها لقب گرفت. زمانی که سونس اخراج شد، لیورپول در مقام پنجم قرار داشت اما در این فصل اوضاع با ایوانز بدتر هم شد و لیورپول در نهایت در این فصل هشتم شد و جواز حضور در جام یوفای فصل بعد را دریافت نکرد.

فصل ۱۹۹۴-۹۵

چرا تیم در لیگ های اروپایی حضور نداشت ؟

به بالا رجوع کنید !

آن فصل چه اتفاقی رخ داد ؟

در اولین فصلی که روی ایوانز به طور کامل مربیگری لیورپول را به عهده گرفت، اصول اولیه ی لیورپول به این تیم بازگشت و یک پاداش زودهنگام داشت. برد ۶-۱ در هفته ی اول در زمین کریستال پالاس به نوعی انتقام شکست فصل ۹۲ در جام حذفی مقابل این تیم نیز بود. در بازی بعدی هم لیورپول ۲-۰ آرسنال را در آنفیلد شکست داد. استیو مک منمن دو گل دیدنی و کاملاً انفرادی را در فینال جام اتحادیه مقابل بولتون، در ومبلی، در جریان پیروزی ۲-۱ به ثمر رساند تا لیورپول به قهرمانی این جام دست یابد. در یک چهارم نهایی جام حذفی نیز لیورپول در آنفیلد ۲-۱ مغلوب تاتنهام و از این جام حذف شد. در این فصل رابی فاوُلر پس از آلن شیرر با ۲۵ گل، دومین گلزن لیگ برتر لقب گرفت و لیورپول با مقام چهارمی و راه یافتن به جام یوفا، این لیگ را به پایان رساند. اما یکی از روزهای تاریخی قرمزها در دهه ی ۹۰ در آخرین بازی همین فصل رخ داد. مسابقه ای که لیورپول ۲-۱ بلکبرن را با کنی دالگلیش شکست داد، اما با توجه به تساوی منچستر مقابل وستهام، این دالگلیش بود که با جام نقره ای در آنفیلد دور افتخار زد.

فصل ۹۹-۲۰۰۰

چرا تیم در لیگ های اروپایی حضور نداشت ؟

به رغم وعده های روی ایوانز، در مقام سرمربی لیورپول، در ابتدای تصدی این پست، باشگاه با رکود مواجه شده بود و ژرارد هولیه به عنوان همکار و شریک ایوانز، به عنوان سرمربی باشگاه انتخاب شد. این مسأله صرفاً به این دلیل بود که باشگاه قصد نداشت ایوانز را اخراج کند، بلکه او باد مجبور به استعفا دادن می شد. همین اتفاق هم افتاد و در ماه نوامبر، ایوانز استعفا داد .

با این حال در مجموع فصل به خوبی برای قرمزها پیش نرفت و در نهایت لیورپول هفتم شد. همچنین در دور چهارم جام حذفی لیورپول با گل دقایق پایانی، مغلوب منچستر شد و از دور رقابت ها کنار رفت.

آن فصل چه اتفاقی رخ داد ؟

با وجود رقابت های لیگ برتر، که تنها چیزی بود که در آن فصل باشگاه باید بر آن تمرکز می کرد و با وجود قراردادهای جدید باشگاه با ساندر واسترولد، سامی هیپیا و استفان هانچوز که جهت تقویت خط دفاعی ضعیف لیورپول انجام شد، تیم در فصل ۱۹۹۹-۲۰۰۰ به طرز چشم گیری

پیشرفت کرد. اما بای این وجود، با بدشانسی و پس از شکست ناباورانه مقابل بردفورد از راه یابی به لیگ قهرمانان باز ماند .

کنار رفتن زودهنگام از رقابت های جام اتحادیه، به وسیله بلکبرن، و همچنین حذف از لیگ کاپ، به وسیله ساوتهمپتون، این معنا را به همراه داشت که قرمزها فرصت بیشتری برای تمرکز بر روی ارتقا جایگاه تیم خود در جدول لیگ برتر برای راهیابی دوباره به رقابت های لیگ قهرمانان، در اختیار داشتند.

ظهور جوانی با نام استیون جرارد نقطه مثبت دیگری برای تیمی به شمار می رفت که به درستی و به طور مطلوب در حال پیشرفت بود...

و فصل بعد یکی از بهترین فصل های لیورپول پس از دالگلیش بود با ۵ کاپی که قرمزها به دست آوردند ...





کانون هواداران لیورپول در ایران

www.liverpoolfc.ir

www.reds.ir